



خودی است که اولین قدم آن تربیت نیروی انسانی مولد فرهنگ و آگاه است. کتابخانه بعد از مدرسه و دانشگاه مهمترین جایی است که چنین حرکتی در آن متصور است، بنابراین نقش اساسی آنها در تربیت نیروی انسان متعهد نیاز جامعه بخصوص در شرایط بحرانی این تهاجم است.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— توسعه فرهنگی در حقیقت در دو بخش تعریف و خلاصه می‌شود: الف) در بعد سرمایه‌گذاری انبوه در امور فرهنگی، و ب) در بعد ساختن و تربیت کردن انسان مولد فرهنگ و هنر که دستمایه اصلی عنصر فرهنگ و اصولاً انسان مولد فرهنگی است، و از طرفی مخاطب فرهنگ و توسعه فرهنگی نیز همان انسان آگاه است.

— آیا کتابخانه عمومی تأثیری در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است آن تأثیر چگونه متجلی می‌شود؟

— توسعه فرهنگی به معنی سرمایه‌گذاری در امور فرهنگی به صورت شاخص در ساختن و توسعه کتابخانه به عنوان اولین قدم ضروری فرهنگی بار آوردن جامعه است. از سویی تربیت انسان مولد فرهنگ ابتدا باید از محیط کتابخانه‌ها شروع شود. در

● راه اساسی مبارزه با تهاجم فرهنگی توسعه فرهنگی خودی است که اولین قدم آن تربیت نیروی انسانی مولد فرهنگ و آگاه است.

● تربیت انسان مولد فرهنگ ابتدا باید از محیط کتابخانه‌ها شروع شود.

حقیقت شناسایی اولیه مخاطب فرهنگی و تحقیق در گونه‌گون فرهنگ سراسر کشور و تعیین وضعیت فرهنگی موجود در تمام سنین و طبقات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و حتی قومی و ترسیم وضعیت مطلوب و برنامه‌ریزی اساسی جهت تأمین نیازهای فرهنگی، همه اینها در محیط و قالب کتابخانه‌ها شکل می‌گیرد. اینها همه مقوله فرهنگ به معنی خاص فرهنگی و هنری است. پرواضح است که فرهنگ به معنی کلی کلمه که علم و دانش و شعور بشری را شامل شود توسعه‌ای جز در قالب روی آوری جامعه به کتاب و نوشته و کتابخانه نیست.

— برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— سرمایه‌گذاری گسترده دولت و بخش خصوصی در این زمینه و توسعه روزافزون واحدهای کتابخانه در سراسر کشور و

حضور پیدا می‌کند، تغییر شکل می‌دهد تا آنها که از نقصی رنج می‌برند نیز بتوانند در آن سهیم شوند و حتی در خانه سالمندان تا آخرین نفس سعی می‌شود که آگاهی را به تساوی تقسیم کنند.

— برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— هرگونه سرمایه‌گذاری فرهنگی که در آن گسترش سواد و خواندن و فراهم آوردن امکان دستیابی افراد جامعه به منابع دانش و آگاهی ندیده گرفته شده باشد هرگز به اهداف پیش‌بینی شده خود دست نخواهد یافت.

داشتن شبکه فعال کتابخانه‌های عمومی که چون دانشگاهی مردمی همگان را به هر طریق زیر پوشش خدماتی خود داشته باشد مستلزم پشتوانه قانونی محکم و سرمایه‌گذاری کلان در تجهیز و تأسیس کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی و تشویق جامعه به همگامی و همیاری است.

ابتدا باید ارزیابی جامعی از وضع موجود کتابخانه‌های عمومی کشور که توسط سازمانها و نهادهای گوناگون اداره می‌شود به عمل آید، سپس با توجه به وضع موجود در برنامه‌های زمان‌بندی شده رشد و توسعه برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه و منطبق بر شرایط کشور صورت بگیرد و برای آنکه جامعه نسبت به مفید بودن کارکردهای این سازمان اجتماعی آگاهی‌های لازم را کسب نماید و داوطلبانه این تشکیلات را همراهی کند کارهای تبلیغی وسیعی صورت بگیرد و ابعاد گوناگون مسأله برای جامعه روشن شود.

در خاتمه یادآوری می‌شود که توجه خاص به کودکان و نوجوانان به عنوان نیروی باسواد که اداره کنندگان بالقوه جامعه فردا هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. خصوصاً اینکه متأسفانه در نظام آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی و متوسطه، حتی پس از تجدید سازمان، کتابخانه جایگاه واقعی و درخور شأن خود را ندارد و کارکردهای آموزشی و پرورشی آن یا کلاً ندیده گرفته شده و یا تنها به عنوان مکانی برای انجام فعالیت‌های فوق برنامه آن هم به طور محدود مطرح شده است.

غلامحسین کرباسچی

شهردار تهران

— برای کتابخانه عمومی چه رسالتی قائلید؟

— در واقع در حالی که جهان به سوی یک شبکه به هم پیوسته اطلاعاتی و فرهنگی پیش می‌رود، برای کسانی که به دنبال استقلال سیاسی و فرهنگی خود هستند راهی جز توسعه فرهنگی هم در بعد نیروی انسانی و هم سرمایه‌گذاری وجود ندارد. در حقیقت راه اساسی مبارزه با تهاجم فرهنگی توسعه فرهنگی

روانه ساختن نسل جوان به داخل این محیط‌های سازنده نه تنها رونق کتاب و کتابخانه را افزون می‌کند که خود عامل توسعه فرهنگی در محیط‌های مختلف و سبب تحکیم ارتباط کتابخانه و توسعه فرهنگی و ایمان به این معنی است. برای بسیاری از افراد جامعه تا وارد چنین محیط‌هایی نشوند شاید واقعاً نیاز و ضرورت کتابخانه احساس نشود، و مانند خیلی از نیازهای دیگر جامعه کسی برای آن سینه‌ای چاک نکند. اما اگر کسانی به کتابخانه آمدند تازه ضرورت آن و کمبودهای خود را احساس می‌کنند و اینجاست که پیوند میان نیاز فرهنگی جامعه و کتابخانه و نقشی که کتابخانه در این وادی بازی می‌کند روشن می‌شود.

فرامرز مسعودی

مدیر مرکز خدمات فنی کتابخانه ملی

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟
— کتابخانه عمومی نهادی اجتماعی است. یعنی هم متاعی که عرضه می‌کند یک محصول اجتماعی است هم اطلاقی که برای استفاده کننده یا طالب این متاع می‌کند مفهوم اجتماعی بودن را برای آن ایجاد می‌کند. حتی آنجا که یک شخص کتابخانه‌ای خصوصی برای استفاده خود بوجود می‌آورد، در واقع به خاطر همان جمع آوری محصول اندیشه و تفکر انسانهای دیگر، به نوعی با اجتماع برخورد دارد.

یک نهاد اجتماعی مثل کتابخانه عمومی، رسالتش و نقشش بی ارتباط با اجتماعی که این نهادی از آن محسوب می‌شود نیست. بنابراین چه از لحاظ محتوای کتابخانه که مجموعه آن را تشکیل می‌دهد و چه از لحاظ مشتریان آن، ویژگیهای جامعه محیط مؤثر و دخیل است. اگر جامعه‌ای نهادی را بوجود آورده باشد، فرض بر این است که انتظارات و موارد استفاده آن را هم به خوبی می‌داند. بنابراین شاید برای یافتن پاسخ مناسب بهتر باشد سؤال را کمی دقیقتر کنیم و رسالت کتابخانه عمومی را در جامعه‌ای مشخص جستجو کنیم و لابد اگر چنین باشد و من هم درست فهمیده باشم منظور رسالت چنین نهادی در جامعه خودمان است. البته می‌توان رسالت‌های عامی را جستجو کرد که تقریباً در تمامی جوامع بشری مصداق داشته باشد، اما مطمئناً چگونگی انجام این رسالتها و کم و کیف آنها در جوامع مختلف گونه‌گون است.

لذا فکر می‌کنم اگر رسالتی برای کتابخانه عمومی قائل هستیم بهتر است آن را در چارچوب جامعه خودمان بیان کنیم. حداقل در این جا این قرار را بگذاریم و بحث درباره رسالت کتابخانه عمومی در جوامع دیگر را به زمانی دیگر و افرادی دیگر واگذار کنیم.

اما هنوز به نظر می‌رسد مسأله دقیق نیست و لازم است صورت مسأله را بهتر بشناسیم. کتابخانه عمومی مثل هر نهاد اجتماعی دیگری برای خود زندگی ای دارد. یعنی تولدی دارد، گذشته‌ای

دارد، چهره‌های گوناگونی در طول زندگی خود یافته و پا به پای تاریخ پیش آمده و لابد آینده‌ای هم دارد. تمام این مدت و در هر زمان جامعه که بستر این نهاد بوده چیزهایی به آن داده و چیزهایی از آن خواسته است و مقتدرات آن را هم در هر زمان جریاناتی از جامعه تعیین کرده‌اند. بنابراین با دیدی تاریخی بایستی معلوم کرد منظور از رسالت کتابخانه عمومی در چه مقطعی از عمر این نهاد مورد نظر است. پیشنهاد بنده این است که رسالت کتابخانه عمومی در حال حاضر را بررسی کنیم و بحث در باب رسالت این نهاد اجتماعی را در گذشته و آینده به فرصتی دیگر واگذاریم.

در باب رسالت کتابخانه عمومی در ایران امروز بایستی آنچه را که هست از آنچه را که باید باشد تفکیک کرده و بیشتر به آنچه باید باشد پردازیم و برای دانستن هستها که با آن چندان بیگانه هم نیستیم به گزارشها و آگاهی‌های ارائه شده پیش از این رجوع کنیم و کاستی‌های این گزارشها را هم اگر وجود دارد در مجالهای دیگری مرتفع سازیم.

همین جا لازم می‌دانم در باب اطلاق خصوص و عمومی به کتابخانه هم نکته‌ای را یادآور شوم که تقریباً غیر از کتابخانه‌های شخصی بقیه کتابخانه‌ها با اندکی توسع عمومی هستند. یعنی کتابخانه‌های اختصاصی، دانشگاهی، آموزشگاهی، سازمانی و... هم در حیطه و محدوده خود به صورتی عمومی هستند یعنی عموم یک قشر خاص می‌توانند از آن استفاده کنند. اما بنده در اینجا می‌خواهم راجع به کتابخانه‌هایی بحث کنم که اگر چه شرایطی برای عضویت دارند اما تعلق داشتن به یک قشر خاص جزو شرایط آنها نیست.

کتابخانه‌های عمومی در ایران یا کتابخانه‌های عمومی دولتی هستند یا خصوصی که دسته دوم یا شخصی هستند یعنی فردی از

● کتابخانه‌های عمومی بایستی آمادگی این را داشته باشند که نیازهای اطلاعاتی جامعه را برآورده سازند.

افراد جامعه آن را به وجود آورده و مورد استفاده عموم قرار داده و یا عده‌ای از مردم. که این دومی را می‌توان به نوعی کتابخانه عمومی تعاونی نامید. از نقطه نظر استفاده کنندگان نیز کتابخانه‌های عمومی یا مربوط به کودکان هستند و یا بزرگسالان.

ملاحظه می‌فرمایید که هر چه پیشتر می‌رویم ناگزیریم مسأله را محدودتر و مشخص‌تر کنیم. ناگزیری ما هم از این تحدید از اینرو است که واقعاً تصور می‌شود این تنوع، در بیان رسالت‌های کتابخانه عمومی بی‌تأثیر نیستند. یعنی رسالت کتابخانه‌های عمومی کودکان با کتابخانه عمومی غیر کودکان و یا رسالت کتابخانه‌ای که بودجه آن توسط دولت تأمین می‌شود و اداره آن نیز به دست دولت است با کتابخانه عمومی که بانی آن یک نفر است، یا کتابخانه‌های